

۲۰۲۶/۸۸

به نام پروردگار مهربان (در میان)

سطر به سطر

واژگان عربی انسانی کنکور

دهم | یازدهم | دوازدهم

حسین منصوری

نظارت محتوایی: مهراڻ ترڪمان



لقمه طلایه



مهروماه

لقمه طلائی

سطر به سطر

واژگان عربی انسانی کنکور

ناشر: مهروماه نو

مؤلف: حسین منصوری

مدیر گروه عربی و ناظر علمی: مهران ترکمان

استاد ویراستاری: سمیه حیدری

ویراستار: خانه هراتی

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۸

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۷-۴۰۰-۷

قیمت: ۵۵۵ تومان

مدیر تولید: سمیرا سیارانی

مدیر هنری: مهسا حسینی

طراح گرافیک: تایماز کویانی

صفحه آرا: میلاد صفایی

طراح جلد: حسام طلائی

عنوان و نام پدیدآور: لقمه طلائی / سطر به سطر
معموری / شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۷-۴۰۰-۷
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۷-۴۰۰-۷
پاداش: فهرست
آدرس: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۳۷، واحد ۳
تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۰۸۴۰۳
وبسایت: <http://opac.nli.ir>
ایمیل: mehromah@nli.ir
کتابشناسی ملی: ۵۴۸-۵۶۳



مهروماه

© کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به انتشارات مهروماه نو است. هرگونه برداشت از مطالب این کتاب بدون مجوز کتبی از ناشر، ممنوع بوده و پیگرد قانونی دارد.

تهران، میدان انقلاب، خیابان

۱۲ فروردین، کوچه مینا، پلاک ۳۷

دفتر مرکزی: ۶۶۴۰۸۴۰۰

واحد فروش: ۶۶۴۰۸۴۰۳

روابط عمومی: ۶۶۹۶۸۵۸۹

فروش اینترنتی و تلفنی: ۶۶۴۷۹۳۱۱

پیامک: ۳۰۰۰۷۲۱۲۰

   mehromah.ir

مقدمه

دانش آموزان همسران و اساتید عزیز

سلام

بسیار مسرور و خوش الحینم که بتوانیم کتابی درخور و شایسته شما عزیزان تقدیم نمایم.

این کتاب محصول سال‌ها تجربه مؤلف در حوزه آموزش زبان عربی و نیز بهره وافر از تجربیات همسران و معالجین نظران عرصه آموزش این درس در مقاطع مختلف است و بویژه اصلی آن توجه به شیوه‌نامه‌های آموزش کتب درسی در این مقطع متوسطه اول و دوم وزارت آموزش و پرورش است. گرچه علی‌رغم همه ویژگی‌های شایسته آن برای غنی‌تر شدن این مجموعه، دست‌ان یکایک شما دوستان و اساتید فن را به یاری می‌بخشارد.

کتاب حاضر علاوه بر بررسی واژگان سطر به سطر عربی متوسطه دوم که شامل همه واژگان و معانی آنهاست، چند ویژگی مهم دیگر نیز دارد:

۱ در مقدمه و پیوست کتاب به طور خلاصه اما دقیق و روان، کلیات قواعد و فن ترجمه کتب سه ساله متوسطه دوم را ارائه نموده ایم که مرور و تکرار این بخش، فرایند یادگیری شما عزیزان را تسهیل خواهد نمود. (این یعنی خشت اول: یادگیری عربی با تکرار و تمرین میسر است.)

۲ حین بیان واژگان اصلی درس به درس کتاب ها، سعی نمودیم حملات کلیدی و سخت متن درس ها و تمارین مهم را نیز ترجمه کنیم.

۳ تحلیل صرفی (تجزیه) و اعراب (ترکیب) این واژگان از نظر مؤلف مورد نیاز حل و تکرار این موارد باعث تثبیت آموخته های شما در ذهن و دستانتان می شود. (قول می دهیم اگر به این بخش بیشتر توجه کنید، در بخش قواعد کنکور موفق و سربلند خواهید بود.)

۴ با توجه به رویکرد کتب، دید آموزش عربی که به ترجمه و فهم واژگان اهتمام بیشتری دارد، اگر علمه ای را یافتیم که شکل ها و معانی متعددی دارد و با تغییر ساختار آن، معانی جدیدی شکل می گیرد (به خصوص فعل های مزید)، از آن دریغ نکردیم و حتماً به بررسی آن پرداخته ایم.

در پایان، لازم می دانم از جناب آقای احمد اختیاری مدیر محترم انتشارات، جناب آقای مهران ترکم مدیر گروه عربی، سرکار خانم سمیه حیدری مسئول ویراستاری و همکاران عزیز، گروه تولید خستگی ناپذیر انتشارات به مدیریت سرکار خانم سمیه حیدری و همکاران عزیزانی که در تهیه این کتاب ما را همراهی کردند، سپاس بگویم.

با آرزوی موفقیت های پی در پی شما عزیزان

mansourhosseini@gmail.com

حسین هوسینی

فهرست

۷

مقدمه

عربی دهم

درس (۱) ذَاكَ هُوَ اللَّهُ ۳۰

درس (۲) أَنْكُمْ مَسْئُولُونَ ۴۱

درس (۳) مَطَرُ السَّمَاءِ ۵۱

درس (۴) التَّعَرُّشُ السَّلَامِيُّ ۶۰

درس (۵) هَذَا خَلْقُ اللَّهِ ۷۲

درس (۶) الْمَعَالِ الْخَلَابَةِ ۸۲

درس (۷) صِنَاعَةُ الْيَفِطِ ۸۷

درس (۸) يَا مَنْ فِي الْبَحَارِ عَجَائِبُ ۹۲

عربی یازدهم

درس (۱) مَوَاعِظُ قِيَمِهِ ۱۰۴

درس (۲) صِنَاعَةُ التَّلْمِيعِ فِي الْأَدَبِ الْفَارِسِيِّ ۱۱۹

درس (۳) عَجَائِبُ الْمَخْلُوقَاتِ ۱۲۶

درس (۴) تأثیر اللغة الفارسیّة علی اللغة العربیة ۱۳۴

درس (۵) الصّدق ۱۴۷

درس (۶) اِرْحَمُوا ثَلَاثًا ۱۵۴

درس (۷) لا تَقْنَطُوا ۱۶۷

فصل دوازدهم

درس (۱) الداء و الدواء ۱۸۲

درس (۲) الوجه النافع و الوجه المضرّ ۱۹۳

درس (۳) ثلاث اصص قصيرة ۲۰۵

درس (۴) نظام الطبيعة ۲۱۵

درس (۵) الهی ۲۲۵

پیوست ۲۲۹

اصطلاحات عربی دهم، یازدهم و دوازدهم ۲۳۰

خلاصه قواعد و نکات ترجمه ۲۳۹

واژه‌نامه الفبایی ۲۵۷



آموزش تجزیه کلمه

برای این که بتوانیم یک کلمه را تجزیه نماییم، ابتدا باید تقسیم‌بندی‌های کلمه و نکات و قواعد مربوط به آن را بدانیم، بنابراین قبل از بررسی کلمات کتاب درسی از نظر تجزیه (التَّحْلِيلُ الصَّرْفِيّ)، به آموزش شیوه‌های تجزیه نمودن و نکات مطرح در آن می‌پردازیم. به‌طور کلی در زبان عربی، کلمه به سه دسته تقسیم می‌شود:

۱ اسم

۲ فعل

۳ حرف

هر یک از موارد سه‌گانه بالا از جهات مختلفی قابل تفکیک و تقسیم‌بندی هستند که در ادامه با آن‌ها آشنا خواهید شد.

اسم

علامت‌های شناخت اسم

۱ ال: ابتدای هر کلمه‌ای که «ال» وجود داشته باشد، اسم است.

مثال: الوطن، الكتاب، المسجد

۲ تنوین: آخر هر کلمه‌ای که تنوین قرار گرفته باشد، اسم است.

مثال: مدرسة، صديق، دفترًا

یادآوری: اگر یک اسم مذکر نکره که اسم عاری اصلی

می‌پذیرد، در حالت نصب قرار گیرد، (مثلاً مفعول شود) و آخر آن

تنوین با کرسی «الف» ظاهر می‌شود.

مثال: قرأتُ کُتُباً / رأيتُ تلميذاً / يا عالماً بالعباد

۳ مضاف: هر کلمه‌ای که مضاف باشد، اسم است.

مثال: مدرسة علی، بیتنا، سوق الكتاب (بازار کتاب)

یادآوری: ۱ مضاف، اسمی است که به کلمه‌ای دیگر اضافه می‌شود؛

ال، تنوین، «ن» تثنیه و جمع نمی‌پذیرد.

۲ فرمول ← اسم + اسم ← کتاب المعلم

← اسم + ضمیر ← أمك

دقت کنید که در این موارد اسم اول، مضاف و اسم دوم، مضاف‌إلیه است.

۳ مضاف نقش نیست.

۴ مجرور بودن: هر کلمه‌ای که مجرور باشد (حرکت کسره بگیرد)، اسم است.

۱ مجرور به حرف جر ← فی الدار / علی المنضدة

۲ مضاف‌إلیه ← معلّم الصف / بیت الله

! توجه: کسی که سره برای رفع التقای ساکنین می‌آید که این

کسره عارضی است و علامت اسم نیست. (فعل ساکن + ال ← کسره)

مثال: بشر المعلا / عن / جاءت الزهراء

۵ ختم به «ة» و «اء»: هر بنده‌ای که مختتم به «ة» و «اء» باشد، اسم است.

۶ منادا بودن: هر کلمه‌ای که منادا باشد، قطعاً اسم است.

مثال: یا رجل / أيها الرجل / یا علی / یا رجلًا بوطن

◀ تقسیم بندی اسم از نظر جنس

۱ مذکر

۲ مؤنث

انواع مذکر

۱ حقیقی ← اسمی که بر انسان یا حیوان نر دلالت می‌نماید و نر

علامت تأنثی در آن وجود ندارد.

مثال: رجل، علی، أب، بهزاد، ديك (خروس)، أسد (شیر)، ثعلب (روباه) و ...

۲ مجازی ← بر اشیایی دلالت می‌نماید که قوانین یک اسم مذکر

درباره آن اجرا می‌شود.

مثال: کتاب، قلم، جدار، بیت، مسجد



انواع مؤنث

۱ **حقیقی** ← اسمی که بر انسان یا حیوان ماده دلالت می‌نماید. (ممکن است علامت تأنیث داشته باشد و ممکن است علامت تأنیث نداشته باشد.)

مثال: فاطمة، مریم، دجاجة (مرغ)، بقرة (گاو ماده)، زینب

۲ **مجازی** ← اسمی که بر اشیایی دلالت می‌نماید که با آن مانند یک اسم مؤنث رفتار می‌شود.

مثال: شجرة، منضدة، مدرسة، صحراء

۳ **عنوی** ← اسمی است که بر مؤنث دلالت می‌نماید اما هیچ علامت تأنیثی در آن وجود ندارد. موارد زیر همگی مؤنث عنوی هستند:

۱ نام شهرها و کشورها: ایران، طهران، یثرب و...

۲ بنسبت از اسم‌های علم مؤنث که علامت تأنیث ندارند: مریم، زینب، نرجس

۳ اسم‌های خاص جنس مؤنث: أم، بنت، أخت

۴ اسم اعضای زوج بدن عین (چشم)، رجل (پا)، يد (دست)، كف (کف دست)، أنف (گوش) قدم (پا، قدم)، ساعد (ساعد)، إصبع (انگشت)، كتف (کتف)

۵ اسم‌های زیر:

شمس، أرض، نار، دار، حرب، بئر، روح، قوس، عصا، كأس،

یمین، شمال، جهنم، فأس، روح، نفس

این اسامی به صورت اسمی مؤنث هستند. (بسیاری با

حفظ‌شون کنی!!)

۴ **لفظی** ← اسمی که بر مذکر دلالت می‌نماید ولی دارای علامت تأنیث است.

مثال: حمزة، طلحة، أسامة

نکته:

علامت‌های تأنیث
در اسم‌های مفرد

ة ← محفظة، مدرسة
الف مقصوره (اگر زاید باشد) ← کُبری، دنیا
اء (اگر زاید باشد) ← خضراء، زهراء

نکات و دام‌های آموزشی

۱ در تشخیص مذکر یا مؤنث بودن یک کلمه، باید به شکل مفرد آن توجه کنیم.

طبيب ← جمع «طبا» است بنابراین مذکر است.

عُرف ← جمع «أُعرف» است بنابراین مؤنث است.

مدارس ← جمع «مدرسة» است لذا مؤنث است.

ظواهر ← جمع «سفرة» است لذا مؤنث است.

عَمَلَة ← جمع «عامل» است بنابراین مذکر است.

علماء ← جمع «عالم» است بنابراین مذکر است.

أساتذة ← جمع «استاذ» است بنابراین مذکر است.

پس در تشخیص مذکر یا مؤنث بودن اسم‌های جمع، مفردشون مهمه نه شکل ظاهريشون!!

۲ جمع غیر عاقل در حکم مفرد مؤنث است. می‌تواند مؤنث، ضمیر،

اسم اشاره و ... برای آن به صورت مفرد و مؤنث می‌آید.

مثال: هذه كتب / اخلاقه حسنة / هي ايام / الوجوه خرت خالصة

اسم اشاره (مبتدا) خبر مفرد ضمیر (مبتدا)

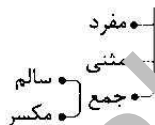
أعمال جميلة
صفت

۳ استثنائاً موارد زیر با این که جزء اعضای زوج بدن هستند، مذکرند.

مثال: مرفق (آرنج) / حاجب (ابرو) / خذ (گونه) / صدغ (شقیقه)

۴ با مؤنث لفظی دقیقاً مانند مذکر حقیقی برخورد می‌کنیم و فعل، ضمیر، موصول، اسم اشاره و... را برای آن‌ها به صورت مذکر می‌آوریم. **مثال:** جاء حمزة / هذا طلحة

اسم از نظر عدد



۱ در حالت مرفوعی (فاعلی، مبتدایی و خبری): «ان» علامت

جاء المعلمان

۲ در حالت منصوبی

رأيتُ المسلمين

(فعلوی و مجروری) «ین» سَلَمْتُ عَلَى الطَّالِبِينَ

در حالت مرفوعی: «وَنَ» جاء المسلمون

رأيتُ المعلمين

سَلَمْتُ عَلَى

المعلمين

علامت
مذکر
جمع
سالم

مؤنث «ات» المعلمات ذهبن

جمع مکسر → در این نوع جمع، صورت مفرد کلمه تغییری نمی‌کند، این نوع جمع با توجه به شکل مفرد خود بر این خاتمه می‌آید. **مثال:** عالم → علماء / مدرسه → مدارس / مصباح → مصابيح

اسم از نظر اعراب

اسم از نظر تغییر حرکت آخر آن به دو دسته تقسیم می‌شود.

۱ **معرب:** یعنی با توجه به نقش آن در جمله، حرکت آخر آن نیز تغییر می‌کند و اغلب اسم‌ها این گونه‌اند:

ذَهَبَ التِّلْمِذُ - شاهدْتُ التِّلْمِذَ - هَذَا كِتَابُ التِّلْمِذِ

فاعل و مرفوع مفعول و منصوب مضاف‌الیه و مجرور

مبنی: یعنی با تغییر نقش اسم در جمله حرکت آخر آن تغییر نمی‌کند:

ذَهَبَ ذَکَ - شاهدْتُ ذَکَ - قَرَأْتُ کِتَابَ ذَکَ

فاعل و مبنی بر فتح مفعول و مبنی بر فتح مضاف‌الیه و مبنی بر فتح

اسم‌های مبنی عبارت‌اند از: ۱ اسم اشاره (به جز مثنی) ۲ اسم

رسول (به جز مثنی) ۳ اسم استفهام ۴ ضمائر ۵ اسم شرط

نکات و دام‌های آموزشی

۱ مؤنث را با اسم مثنی اشتباه نگیرید:

الف) صفات: بَرْنِ فَعَالٍ  مثال: غضبان، عطشان، فرحان، جوعان و...

ب) مصدری: کَرَامَتِیَّ  ان است.

 مثال: فُقْدَانِ، طَبَرَانِ، غُفْرَانِ، عنوان و...

ج) جمع‌های مکسری: بَیِّنِ آن یا «ان» یا «ین» است.

 مثال: فُرْسَانِ (فارس)، اَغْنَسِ (عدس)، آلَوَانِ (لَوْنِ)، شِیْخَانِ (شیخ)،

ادِیَانِ (دین)، جَدَرَانِ (جدار)، شِیَاطِیْنِ (شیطان)، مَسَاکِیْنِ (مسکین)،

مَوَازِیْنِ (میزان)

۲ بعضی کلمات را با جمع مؤنث سالم اشتباه نکید.

الف) جمع‌های مکسر ← ابیات، اوقات، اصوات، ازیات

راه تشخیص «ات» را از اسم‌های فوق حذف کنید و بعد «ان» اضافه

کنید. اگر معنی داشت، جمع مؤنث سالم است و اگر معنی نداشت

جمع مکسر.

 مثال: اوقات ← اوق ← اوقه (نادرست) ← جمع مکسر است.

معلمات ← معلم ← معلمة (درست) ← جمع مؤنث است.

ب) مصدری مانند: مکافاة، مجازاة، مناجاة، مراعاة و...

اسم از نظر جامد و مشتق بودن

اسم جامد ← اسمی است که از کلمه دیگری گرفته نشده باشد.

مثال: علم، کتاب، جدار، قلم، انتصار و...

اسم مشتق ← اسمی است که از کلمه دیگری گرفته شده است و انواع و اوزان خاصی دارد.

۱ اسم فاعل

۱ ثلاثی مجرد ← بر وزن «فاعل» می آید.

مثال: طالب، عامل، ناظم، شاکر و...

۲ ثلاثی مزید ← «م» به جای حرف مضارع و مکسور نمودن

«عین الفعل»

مثال: مُکَبِّر، مُشْتَكِر و...

۲ اسم مفعول

۱ ثلاثی مجرد ← بر وزن «مفعول» می آید.

مثال: مطرب، معذب، مجبور، منثور و...

۲ ثلاثی مزید ← «م» به جای حرف مضارع و مفتوح نمودن

«عین الفعل»

مثال: مُشَخَّص، مُسْتَعْمَل، حین، حترم

۳ اسم مبالغه بر اوزان زیر می آید:

۱ فاعل ← علام، قهار ۲ فاعول ← فاعول

۲ فَعَالَة ← علامة، قتالة

۴ اسم تفضیل بر دو وزن زیر می آید:

۱ أفعَل (مذکر) ← احسن، اعلم ۲ فَعْلِي (مؤنث) ← حسنی، بیری

۵ اسم زمان و مکان بر سه وزن زیر می آیند:

۱ مَفْعَل ← مکتب، مطبخ ۲ مَفْعَلَة ← مدرسه، منظره

۲ مَفْعِل ← مسجد، منزل

نکات و دام‌های آموزشی

۱ برای تشخیص جامد و مشتق بودن یک کلمه باید به صورت مفرد آن توجه نماییم.

حکام: جمع «حاکم» است ← مشتق و اسم فاعل
مدارس: جمع «مدرسه» است ← مشتق و اسم مکان

۲ «أفعل» اگر بر رنگ و یا عیب دلالت کند، «صفت مشبّهه» است، در این صورت «اسم تفضیل» است.
این صفت دلالت بر رنگ ← صفت است.
أعرج: لال بر عیب ← صفت است.

۳ رنگ‌ها و عیوبها

مذکر	مؤنث	مذکر	مؤنث	معنی
أخضر	خضراء	أعوج	عوجاء	کج
أحمر	حمراء	أعمى	عمى	لنگ
أبيض	بيضاء	أحمق	حمقاء	نادان
أصفر	صفراء	أعمى	عمياء	کور
أزرق	زرقاء	أصم	صماء	کر
أسود	سوداء	أبکم	بکماء	لال

وزن «أفعل» برای مذکر و وزن «فعلاء» برای مؤنث به کار می‌رود.

یادتون که نرفته «اء» زایده علامت تأنیث بود...؟

۴ اسم‌هایی که عین الفعل مشدد دارند نوعاً اسم مبالغه هستند (ال) به جز کلماتی مثل طیب، سید، جید و... که بر وزن «فَعِيل» و صفت هستند.

پس این دوستان عزیز همگی اسم مبالغه هستند.

مثال: قذوس، صديق، قتال و...



۵ دو کلمه «خیر»، «شر» به سه صورت زیر به کار می‌روند:

۱ مصدر: «الْخَيْرُ فِيمَا وَقَعَ» خوبی در آن چیزی است که اتفاق می‌افتد.

«الشَّرُّ لَا يَبْقَى فِي الدُّنْيَا» بدی در دنیا باقی نمی‌ماند.

۲ صفت

الْعَمَلُ الْخَيْرُ أَحْسَنُ مِنَ الْعَمَلِ الشَّرِّ: کار خوب از کار بد بهتر است.

۳ اسم تفضیل

«أَحْسَنُ» برتر از «شَرُّ» بدترین کار میانه‌ترین آن‌ها است.

«الْأَعْمَالُ هِيَ الْكُذْبُ» بدترین کارها همان دروغ گفتن است.

۴ نکته: اگر بعد از «خیر» و «شر» حرف جرّ «مِنْ» یا مضاف‌إلیه بیاید،

این دو کلمه اسم تفضیل خواهند بود.

مثال: «أَحْسَنُ مِنْ شَرِّ النَّاسِ ...» بهترین مردم

حرف جرّ مضاف‌إلیه

۶ تمام مصادر ثلاثی مجرد ثلاثی مزید و رباعی مجرد جامد هستند.

«اجْتِهَادٌ»، «إِكْرَامٌ»، «إِسْفَارَةٌ»، «تَفَكُّرٌ»، «انْصِرَافٌ»، «تَزَاوُجٌ»،

«تَرْتِيبٌ»، «وَزْلَزْلَةٌ»

۷ کلماتی بر وزن «مَفْعُوْ، مَفْعٌ، مَفْعِلٌ، فَعُوْ» همگی مشتق و اسم

مفعول هستند.

مثال: «مَدَعُوْ، مَهْدُوْ، مَبِيعٌ، مَقُوْلٌ»

۸ کلماتی بر وزن «مَفْعَى، مَفَالٌ، مَقَلٌّ و گاه مَفِیلٌ» همگی مشتق و اسم

زمان یا مکان هستند.

مثال: «مَجْرَى، مَطَارٌ (فرودگاه)، مَحَلٌّ، مَسِيرٌ»

۹ کلماتی بر وزن «أَفْلٌ، أَفْعَى» اسم تفضیل هستند.

مثال: «أَدْقٌ، أَصَحُّ، أَعْلَى، أَوْلَى»

۱۰ اسمی که حرف اول آن «مُ» و دومین حرف اصلی آن «ی» باشد،

اسم فاعل است.

مثال: «مُبِينٌ، مُشِيرٌ، مُقِيمٌ، مُجِيبٌ، مُرِيدٌ»

۱۱ اسمی که حرف اول آن «م» و دومین حرف اصلی آن «ا» باشد اسم مفعول است.

مثال: مُراد، مُستشار، مُذاب

۱۲ کلماتی بر وزن «فائل، فاعی، فالّ، فاع» همگی مشتق و اسم فاعل هستند.

مثال: فائل، هادی، ضالّ، هاد

۱۳ اسم از نظر معرفه و نکره بودن

با بر اساس کتاب‌های درسی برخی از اسم‌های معرفه را بیان می‌کنیم:

۱ معرفه بعضی: الكتاب / القلم

۲ علم: علم‌ها، خنجر، می، گم بابا!

اسم‌های زیر معرفه از نوع علم هستند:

۱ اسم افراد: علی، محمد، فاطمه و...

۲ اسم شهرها و کشورها: ایران، شیراز، مکه و...

۳ نام کوه‌ها: البرز، دماوند و...

۴ نام قبایل: قریش، اوس، خزرج و...

۳ ضمیر: هو، هی، ایا، نحن، انهم و...

۱۴ نکات و دام‌های آموزشی

۱ اسم‌های استفهام و شرط همگی نکره هستند

مثال: من ذهب؟ (چه کسی رفت؟)

ما تَفْعَلْ فهو لك! (هر چه انجام بدهی پس آن برای تو است)

۲ فقط اسم‌ها می‌توانند معرفه باشند بنابراین حروف و فعل‌ها نیز

ویژگی را ندارند.

۳ اسم‌های علم اگر تنوین یا ال بپذیرند، باز هم معرفه از نوع علم هستند.

مثال: الحُسین، علی، محمد، جعفر، الحَسَن که همگی معرفه از نوع

علم هستند.

فعل

فعل از نظر زمان

۱. ماضی ← ۱۴ صیغه

۲. مضارع ← ۱۴ صیغه

۳. امر مخاطب ← ۶ صیغه

شیوه ساختن فعل امر در ثلاثی مجرد

۱. حذف حرف مضارع از ابتدای فعل

۲. ساکن نمودن حرف آخر فعل

• اگر عین الفعل َ داشت،

همزه نیز با ضمه می آید.

• اگر عین الفعل ِ یا ء داشت،

همزه با کسره می آید.

۳. آوردن همزه ابتدای فعل

مثال: تَذْهَبُ ← حذف حرف مضارع ← ذَهَبُ ← ساکن کردن آنها ← ذَهَبُ

آوردن همزه متناسب

اَذْهَبُ

مثال: تَكْتُبُ ← حذف حرف مضارع ← كَتَبُ ← ساکن کردن آنها ← كَتَبُ

آوردن همزه متناسب

اُكْتُبُ

حالات مختلف مجزوم نمودن پایان فعل

۱. اگر حرف آخر ضمه باشد ← تبدیل به ساکن می شود.

مثال: يَذْهَبُ ← لم يَذْهَبُ

۲. اگر حرف آخر «ن» اعراب باشد ← حذف می شود.

مثال: يَذْهَبَانِ ← لم يَذْهَبَا

فعل از نظر حروف اصلی

← ثلاثی
← مجرد
← مزید

← رباعی ← فراتر از کتاب درسی

1 ثلاثی مجرد ← اولین صیغه ماضی آن از سه حرف اصلی تشکیل

شده است.
مثال: اذهب، سمع، عملتُم، رَجَعُوا
کتاب درسی ماضی در اولین صیغه ماضی، علاوه بر سه حرف اصلی یک یا دو حرف دیگر فزائند نیز دارد که شامل باب‌های مزید می‌شود.
باب‌های مزید

المصدر (الباب)	الحروف الزائدة	المضارع (المضارع)	الماضي
افعل	همزه	يُفَعِّلُ	أَفْعَلَّ
تفعيل	تكرار عين الفعل	يَفْعِّلُ	فَعَّلَ
مُفَاعَلَة (فِعَال)	الف	يُفَاعِلُ	فَاعَلَ
تفاعّل	ت - الف	يَتَفَاعَلُ	تَفَاعَلَ
تَفَعَّلَ	ت - تکرار عین الفعل	يَتَفَعَّلُ	تَفَعَّلَ
إِفْتِعَال	ا - ت	يُفْتَعِلُ	إِفْتَعَلَ
إِنْفِعَال	ا - ن	يُنْفَعِلُ	إِنْفَعَلَ
إِسْتِفْعَال	ا - س - ت	يَسْتَفْعِلُ	إِسْتَفْعَلَ

تقسیم‌بندی فعل صحیح از نظر نوع حروف

فعل صحیح

- ۱ • مهموز ← یکی از سه حرف اصلی آن همزه است.
مثال: أَكَلَ، سَأَلَ، قَرَأَ
- ۲ • مضاعف ← دو حرف از سه حرف اصلی آن یکسان است.
مثال: حَبَّ، مَدَّ، سَدَّ، رَدَّ، زَلَزَلَ، خَضَخَضَ
- ۳ • سالم ← فعلی که بین حرف‌های اصلی خود نه همزه دارد نه حرف یکسان.
مثال: ذَهَبَ، جَمَعَ

فعل از نظر لازم و متعدی بودن

- ۱ • لازم ← فقط فاعل می‌پذیرد.
مثال: انصَبَ: روانه شد.
- ۲ • متعدی ← علاوه بر فاعل به مفعول نیاز دارد.
مثال: أَكَلَ: طعام: علی غذا را خورد.

فعل از نظر هویت

- ۱ • معلوم ← فاعل آن مشخص است.
مثال: ذَهَبَ عَلِيٌّ: علی رفت. (مُاعَا: معلوم)
- ۲ • مجهول ← فاعل آن مشخص نیست.
مثال: تُكْتَبُ الرِّسَالَةُ: نامه نوشته می‌شود.

تائب فاعل

طریقه مجهول کردن فعل ماضی

- ۱ • مکسور کردن عین الفعل
- ۲ • مضموم کردن حروف متحرک قبل از عین الفعل
مثال: عَلِمَ ← عَلِمَ / اسْتَخْرِجَ ← اسْتَخْرِجَ

طریقه مجهول کردن فعل مضارع

۱ مفتوح نمودن عین الفعل

۲ مضموم نمودن حرف اول (حرف مضارع)

مثال: یُکْتُبُ ← یُکْتُب / یَسْتَعْمِلُ ← یُسْتَعْمَلُ

جدول انواع ضمایر و صیغه‌ها

ضمیر متصل رفعی (فاعلی) (به آخر فعل می‌چسبن)	مفهومش	ضمایر متصل نصبی و جری	ضمایر منفصل فعلی	نام الفعل	عبارت صیغه
مضارع	مضارع				
—	—	مرد مذکر غائب	هو	لِلْغَائِبِ	۱
ا	ا	مثنی مذکر غائب	هُمَا	لِلْغَائِبَيْنِ	۲
و	و	جمع مذکر غائب	هُمْ	لِلْغَائِبِينَ	۳
—	—	مفرد مؤنث غائب	ها	لِلْغَائِبَةِ	۴
ا	ا	مثنی مؤنث غائب	هُمَا	لِلْغَائِبَتَيْنِ	۵
ن	ن	جمع مؤنث غائب	هُنَّ	لِلْغَائِبَاتِ	۶
—	ت	مفرد مذکر مخاطب	کِ	لِلْمُخَاطَبِ	۷
ا	تُما	مثنی مذکر مخاطب	کُما	لِلْمُخَاطَبَيْنِ	۸